

جشن «مغز بادوم» در مسجد امام جعفر صادق (ع) محله گلдіس برگزار شد

نوه‌داری پدربزرگ‌ها

نمی‌کند. خود من وقتی اولین بچه‌ام به دنیا آمد، خانه دار شدم. موقع فرزند دومم خانه‌ام بزرگ‌تر شد. بعد از تولد فرزند سومم خانه‌ام دو طبقه شد. بعد از فرزند آخرم رفتیم به کربلا؛ این‌ها از برکات بچه‌هاست.

محمد صبوری با ۴۶ سال سن، عنوان جوان‌ترین پدربزرگ این مراسم را دارد. او در حالی که نوه سه ماهه‌اش را در آغوش دارد، می‌گوید: از وقتی نوه‌ام به دنیا آمده د ختم بیشتر وقت‌ها خانه ماست و این کنارهم بودن لذت زندگی را برای ما دوچندان کرده است. از سر کار که می‌آیم خانه، با دیدن نوه‌ام، خستگی از تنم در می‌رود و با انرژی مضاعف دنبال بازی با او و در آغوش گرفتنش هستم. او که دود ختر دارد، ادامه می‌دهد: من و همسر الان که فکرش را می‌کنیم می‌بینیم دو بچه کم است و دوست داشتیم حداقل چهار فرزند داشتیم.

شاغل هستند، فرزندآوری را نوعی ریسک یا مداخله در کارهای جاری می‌دانند اما اگر نقش حمایتگر پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها باشد، این جنبه کمرنگ می‌شود و جوان‌ها می‌توانند با خیال آسوده‌تری، شیرینی پدر و مادر شدن را تجربه کنند.

به گفته او طرح «مغز بادوم» در شانزده مسجد منطقه ۹ اجرا می‌شود و در آن ضمن قدردانی از کسانی که در دو سال اخیر پدربزرگ شده‌اند، پدربزرگ‌هایی که ویژگی‌هایی همچون جوان‌ترین، مسن‌ترین، پدر شهید، ایثارگر و بیشترین نوه را دارند، معرفی می‌شوند و مورد تقدیر قرار می‌گیرند.

● دوتا بچه کم است

بخش پایانی این مراسم، اهدای جوایز به پدربزرگ‌ها بود. بین پدربزرگ‌های دعوت شده، سیدحسین صبوری، پدربزرگی که بیشترین نوه را در جمع حاضر دارد، تقدیر شد. به گفته خودش پانزده نوه دارد و یکی دیگر هم به زودی متولد می‌شود.

او می‌گوید: تعجب می‌کنم از جوان‌هایی که به بهانه مشکلات اقتصادی، بچه‌دار نمی‌شوند. حسین آقا که کارگر و دارای فرزند است، ادامه می‌دهد: به عقیده من تا ازدواج نکنی و بچه‌دار نشوی، روزی ات زیاد نمی‌شود و اموالت برکت

فهیمة شهری‌ادیدن دونسل کودک و سالخورده در کنارهم زیبایی‌های خودش را دارد. مسجد امام جعفرصادق^(ع) در محله گل‌دیس با اجرای جشن «مغز بادوم»، میزبان پدربزرگ‌هایی بود که از سال ۱۴۰۲ تا کنون صاحب نوه شده‌اند. این جشن حال و هوای دیگری به مسجد و مردم محله داده بود: آن‌ها از دیدن بچه‌ها لذت می‌بردند و در کنارهم خاطره‌سازی کردند.

● در آغوش گرفتن نوه‌ها و از یاد بردن دردها

سروصدای بچه‌ها اولین چیزی است که وقتی وارد جشن «مغز بادوم» در مسجد امام جعفرصادق^(ع) می‌شویم، توجه‌مان را جلب می‌کند اما در این ازدحام، این قدر شور و نشاط و خنده هست که ناخودآگاه لبخند بر لبان ما هم نقش می‌بندد. حال خوب بچه‌ها، پدربزرگ‌ها را هم به وجد آورده است: نه از دردهای جسمانی گلایه می‌کنند نه از وضع معیشت و جامعه. نوه‌هایشان را در آغوش گرفته و انگار تمام غم و غصه‌ها را از یاد برده‌اند. بیست پدربزرگ از محله گل‌دیس به این مراسم دعوت شده‌اند. بعد از تلاوت قرآن و صلوات خاصه، گروه سرود متشکل از کودکان اجرا می‌کند و سپس نوبت استندآپ کمدی عمونواب می‌رسد تا ویژگی‌های کودکی و پیری را دستمایه طنز کند و همه را بخنداند.

● نقش حمایتی بزرگ‌ترها در فرزندآوری

حامد قربانی، معاون فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه ۹، یکی از سخنرانان این مراسم است. او به نقش پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها در فرزندآوری اشاره می‌کند و می‌گوید: با توجه به اینکه در حال حاضر بسیاری از پدرها و مادرها هردو



نوجوان رزمی‌کار محله رسالت، هدف مهمی دارد

نذری آموزش رایگان کاراته



و پرفکت کیوکوشین کاراته بود که من در همه این مسابقات، مدال طلا را به دست آوردم.

● بهترین خاطره ورزشی‌ات را برایمان بگو.

در مسابقه فینال رقابت‌های پرفکت کیوکوشین، حریفم خیلی پر قدرت وارد زمین شد. بادی به غیغب انداخته بود و احتمالاً فکر می‌کرد به راحتی من را می‌برد. اما اوضاع برعکس شد. ثانیه ۳۰ از غافلگیری‌اش استفاده کردم و بایک ضربه «اوشیروگری» ناک‌اوتش کردم. این خاطره خوب همیشه در ذهن من می‌ماند.

● چه ورزش دیگری را غیر از کاراته دنبال می‌کنی؟

کشتی و فوتبال. به نظرم این دو ورزش، قدرتی و استقامتی هستند. نفس آدم را چاق و بیدن را ورزیده می‌کنند.

● بهترین حریف تمرینی تو چه کسی است؟

خواهرم! او هم به کاراته علاقه‌مند است و خیلی وقت‌ها با هم تمرین می‌کنیم؛ البته من مراعاتش را می‌کنم که ضربه محکمی به او نزنم.

● چه هدفی را در ورزش کاراته دنبال می‌کنی؟

دوست دارم عضوی از تیم ملی کاراته باشم و در مسابقات جهانی حضور داشته باشم. اما بیشتر از آن دوست دارم کاراته را به رفقا و هم‌کلاسی‌هایم آموزش بدم. اصلاً نذر کرده‌ام اگر در ورزش رزمی به جایی برسم به آن‌هایی که کاراته را دوست دارند، رایگان آموزش بدهم.

● چرا کاراته را انتخاب کردی؟

کاراته قدرت بدنی زیادی می‌خواهد و من هم این موضوع را دوست دارم. علاوه بر این کاراته به من یاد داد خوب تمرین کنم، صبور باشم و به بزرگ‌ترهای باشگاه و استادان احترام بگذارم. این‌هایی که گفتم، نه تنها در ورزش، که در زندگی شخصی خودم هم مهم بوده است.

● تاکنون چه مقام‌هایی به دست آورده‌ای؟

سال گذشته سه بار در مسابقات کشوری حضور داشتم که مربوط به سبک‌های مختلف می‌شد. این سبک‌ها شامل کیوکوشین کاراته، کن‌شین کان کاراته

رضاری‌احی‌ادر سالن تمرین کاراته محله رسالت، جایی که خیلی‌ها برای رؤیاهای بزرگ تلاش می‌کنند، نوجوانی ایستاده است که سن کم اما انگیزه‌ای بزرگ دارد.

امیرحسین مصوری، رزمی‌کار چهارده ساله‌ای است که با پشتکار و تمرین‌های مداوم، توانسته عنوان قهرمانی کشور را در رشته کاراته به دست آورد. او در خانواده‌ای نفس کشیده که ورزش بخش جدانشدنی زندگی‌شان است. از جمله پدری زحمتکش که کشتی می‌گیرد و خواهری که به کاراته علاقه دارد و همراه خوبی برای تمرین‌های امیرحسین محسوب می‌شود. امیرحسین در فضایی رشد کرده که احترام، تلاش و روحیه پهلوانی حرف اول را می‌زند و همین‌ها او را به یکی از امیدهای ورزشی محله رسالت تبدیل کرده است.

● از چه زمانی وارد دنیای ورزش شدی؟

از کودکی عاشق ورزش بودم. پدرم که الان در کارخانه قند فریمان کار می‌کند، آن سال‌ها کشتی می‌گرفت و بعضی وقت‌ها هم به زورخانه می‌رفت. برای همین من هم به ورزش علاقه‌مند شدم ولی از آنجایی که نزدیک خانه مان باشگاه رزمی بود، من هم برای کاراته ثبت‌نام و آن را شروع کردم.

